

گفتمان معماری سرآمد: الگویی برای نقد آثار معماری معاصر

دکتر محمدجواد مهدوی نژاد*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹

چکیده

نقد و انتقاد علمی را می‌توان زیربنای رشد صحیح و شکوفایی معماری معاصر ایران تلقی کرد. پیش فرض‌های پژوهش نشان می‌دهد که معماری فاخر حاصل موفقیت معماری معاصر در ارتباط مناسب با بستر طرح است. از سوی دیگر اگر معماری فاخر بتواند به میراثی برای آینده تبدیل شود، آنگاه می‌توان آن را یک معماری سرآمد نامید. بر اساس چارچوب نظری پژوهش، نقد آثار معماری معاصر بر اساس مدل‌های نظری متفاوتی صورت می‌پذیرد که یکی از آنها روش تحلیل انتقادی گفتمان است. اساس این روش بر پایه نقد و داوری رابطه معماری و بستر، به مثابه رابطه «متن» با «زمینه» است. دستاوردهای پژوهش نشان دهنده آن است که بازترسیم نقد معماری به مثابه یک گفتمان انتقادی، پنج راهبرد را برای نقد علمی در اختیار قرار می‌دهد: (۱) تعامل با زمینه؛ (۲) فرایندمبنا؛ (۳) اقبال عمومی؛ (۴) نقد نقد و (۵) بازآفرینی گفتمان نوین.

واژه‌های کلیدی

نقد معماری، تحلیل گفتمان، معماری معاصر، معماری فاخر، معماری سرآمد

Email: mahdavinejad@modares.ac.ir

* دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۱- مقدمه

معماری معاصر ایران بیش از هر زمان دیگری به نقد علمی و منصفانه نیاز دارد، نقدی که زیربنای اصلاح و بهبود فرایندها و روش‌های موجود در حل مسئله معماری باشد، به‌خصوص زمانی که دست‌یابی به معماری فاخر و معماری سرآمد به بخشی از خواسته‌های قانون برنامه‌های پنجم و ششم توسعه، و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در آفق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبدیل شده است. بهترین راه برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر، نقد گذشته و هموار کردن راه برای آینده است؛ چنان‌که در قولی مشهور و منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است: «رَحِمَ اللهُ امْرَأَ عَلمٍ مِّنْ أَيْنَ وَفَى أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ» - «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا قرار گرفته است و به‌سوی کجا می‌رود» (مالصدرا، ۱۳۷۹، ۳۵۵). استفاده از نقد و بیان صحیح نقاط ضعف، با هدف جبران کاستی‌ها در اندیشه اسلامی از سابقه‌های طولانی برخوردار است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳). گرایش به نقد آثار معماری معاصر به‌عنوان الگویی برای یادگیری معماری، بر ضرورت و اهمیت موضوع افزوده است.

۱-۱ روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی پژوهش شناسایی و ترسیم الگویی برای نقد معماری معاصر ایران مبتنی بر تحلیل انتقادی گفتمان است به‌گونه‌ای که بتواند با مقایسه آثار معماری معاصر با یک اثر معماری فاخر، نقاط قوت و ضعف اثر معماری را به نمایش بگذارد.

پرسش‌های مقاله عبارتند از: (۱) تحلیل گفتمان چه ظرفیت‌هایی را در نقد یک اثر معماری در اختیار قرار می‌دهد؟ (۲) چگونه می‌توان الگوهای تحلیل گفتمان را برای ساماندهی فرایند نقد مبتنی بر زمینه، در معماری معاصر ایران به کار گرفت؟

راهبرد پژوهش استدلال منطقی، و روش تحقیق توصیفی تحلیلی، و رویکرد کیفی است (Lange, 2012) و بر اساس رویکرد انتقادی به متن، از تکنیک مقایسه تطبیقی در میان دو مفهوم (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۴ ب) استفاده شده است. از این رو در گام نخست برای پاسخ‌گویی به سوال اول پژوهش ظرفیت‌های تحلیل گفتمان مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ سپس کاربردهای آن برای نقد آثار معماری معاصر ایران با هدف دستیابی به معماری فاخر تبیین خواهد شد.

۱-۲ مبانی نظری

تحلیل گفتمان از مباحث جدید زبان‌شناسی محسوب می‌شود که بیش از هر جای دیگر می‌توان تمرکز بر آن را در آثار نویسندگان دوره پست‌مدرن مشاهده کرد. تحلیل گفتمان انتقادی در واقع انتقال بحث تحلیل گفتمان به عرصه‌ای خارج از عرصه زبان‌شناسی است؛ به‌عبارت‌دیگر انتقال زبان به درون بافت‌ها یا گستره‌های بزرگ‌تری مثل فرهنگ و اجتماع (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۰). هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست و اجتماع به دست دهد. مبادی فکری این روش همان اصول و پیش‌فرض‌های پست‌مدرن هستند. پیش‌فرض‌هایی چون عدم اعتماد به دنیای عینی، بی‌ایمانی نسبت

به استدلال‌های فلسفی و جهان‌شمولی، فراروایت با مشروعیت‌زدایی از نظام‌های جهانی و تفکر، شالوده‌شکنی و نفی رابطه مستقیم علت و معلول، گرایش به زمینه‌گرایی و نقد مشروعیت روش‌های گذشته (Jencks, 1991). ارتباط میان تحولات معماری معاصر ایران با پدیده جهانی شدن (حیب و حسینی، ۱۳۸۹) تأثیرات قابل‌توجهی بر معماری معاصر ایران داشته است (اعتصام و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو تحقیق را مستلزم نتیجه می‌داند، نتیجه‌ای که آن را بر اساس ارتباط با زمینه و بافت تعریف می‌نماید.

«گفتمان» و به‌تبع آن «تحلیل گفتمان» به معنای روش، به یک شیوه نوین تحلیل در علوم اجتماعی و سیاسی اشاره دارد که درصدد بازگو کردن و نشان دادن معانی نهفته و پنهان متن و زمینه متن است (Mahdavejad & Moradchelleh, 2011). در زبان‌شناسی، گفتمان را به شبکه ساختاری و به هم تنیده گزاره‌ها تعریف کرده‌اند. ژان فرانسوا لیوتار در تعریف گفتمان می‌گوید: «در بیان کلی و مورد اجماع نظریه‌پردازان گفتمان به تمامی آنچه گفته و نوشته می‌شود اطلاق می‌گردد» (احمدی، ۱۳۷۸). به‌عبارت‌دیگر گفتمان سیستمی است که رابطه میان سوژه و ابژه را تعریف می‌کند. میشل فوکو برای گفتمان در قالب سه معنا معرفی می‌کند: گاهی به‌عنوان یک قلمرو عام برای همه گفته‌ها، گاهی به‌عنوان قابلیت تفرد گروهی از گفته‌ها، و گاهی به‌عنوان عملی نظام‌یافته که موجب شماری مشخص از گفته‌هاست که صورت‌بندی گفتمانی دانش - قدرت، نظامی از حقیقت را تولید می‌کند (Foucault, 1994). مفهوم هویت در این نگاه، به قالب‌هایی اشاره دارد که مرتب در حال تغییر و تحول‌اند، به همین سبب نسبی خوانده می‌شوند (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). به این ترتیب گفتمان در معنای جدید آن دربرگیرنده علائم نشانه‌های زبان‌شناسانه (گفتاری - نوشتاری) و نیز غیرزبان‌شناسانه (رفتاری - روانی) است. نظریه‌های کلیدی و اساسی در پشتیبانی چهارچوب مفهومی پژوهش، در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

۱-۳ چهارچوب نظری

نقدی بر روایت‌های موجود از رویکردها و کارکردهای تحلیل گفتمان‌ها نشان‌دهنده آن است که هرچند در گام نخست چارچوب اولیه گفتمان برگرفته از نظریه‌های زبان‌شناسی سوسور، پس‌اساختارگرایی دریدا، اجتماع‌مداری فرکلاف و دیرینه‌شناسی دانش فوکو است، اما مفهوم گفتمان و تحلیل‌های مبتنی بر آن ریشه فرهنگی، معرفت‌شناختی و شناخت‌شناختی دارد. در جایگاه نقد، هرچیز بر اساس ضرورت‌های اجتماعی خاص خود شکل می‌گیرد. در نتیجه منتقد بیان‌کننده این ضرورت‌ها خواهد بود. در هر صورت در بیان رابطه معماری و زمینه بایست به مجموعه داده‌هایی اشاره کرد که ساختار و قالب کلی اثر معماری و رابطه آن را با زمینه مشخص می‌کنند (کنجی خیبری و دیا، ۱۳۹۳). پیش‌فرض‌های نگاه به یک اثر معماری به‌عنوان گفتمان عبارتند از: (۱) تفاوت نگاه افراد مختلف به اثر؛ (۲) معنا لزوماً در متن نیست، و رابطه میان متن و زمینه آن را مشخص می‌کند. (۳) معنا هم از متن و هم از زمینه خلق اثر تأثیر می‌گیرد. (۴) دریافت معنای یک اثر به معنای بازخوانی نیت مؤلف، یا طراح یک اثر معماری نیست

جدول ۱. گرایش های نظری و تأثیر آنها بر گروه های نماینده در جهان معماری (ماخذ: مهدوی نژاد، ۱۳۸۴ ب. ۷۵)

نحله های نقد	کانون توجه	ویژگی آموزشی	گروه نماینده
کلاسیک	نشانه ها و رمزگان	شناخت اجزا و نقش مایه های فرهنگی	اغلب شیوه های سنتی
رومانتیک	اهداف و شخصیت معمار	ایده های معنوی و تقویت نیت سازنده	اغلب شیوه های مدرن
فرمالیسم	فرم بنا و تناسبات بصری	تقویت توانمندی در خلق تناسبات چشم نواز	فرمالیست های روسی
زمینه ای	طبقه مخاطب و اقتصاد	توجه به مردم و مقاومت در برابر تبلیغات تجاری	مارکسیست ها و فمینیست ها
پدیدارشناسانه	برداشت های مخاطب	استفاده از نظرات مردم و استفاده کنندگان از بنا	شیوه های پست مدرن
رسانه ای	روش ساخت بنا	تقویت خلاقیت در انتخاب روش و تکنولوژی ساخت	اغلب شیوه های جدید

(Jencks, 2006). چارچوب نظری پژوهش بر اساس طراحی نقد معماری به عنوان یک گفتمان انتقادی استوار شده است. این چارچوب را می توان از لحاظ نظری رقیب نظریه های فردینان دو سوسور و میشل فوکو دانست. ویژگی های شکلی-کالبدی اثر معماری در فرایند طراحی معماری که آن را به موضوع مکالمه در رابطه میان اثر و زمینه تبدیل می نماید، به شرح زیر است:

رویکرد طراحی مبنا به معماری و زبان تصویری آن: بر اساس رویکرد طراحی مبنا، زبان معماری یک زبان تصویری است، به این معنا که مکالمه و برقراری ارتباط در طراحی معماری با کمک زبان تصویری انجام می شود (مهدوی نژاد، ۱۳۸۴ الف). به همین دلیل است که معماران ایده های خود را بیشتر با زبان تصویری بیان می کنند. در اغلب تصاویری که از معماران تهیه می گردد ایشان در حالت های دیده می شوند که به نقشه های معماری نگاه می کنند، ماکت ها حجمی می سازند و یا از طریق صفحه نمایش رایانه در حال بررسی و تماشای الگوهای رایانه ای و یا دستی می باشند (مهدوی نژاد و جوانرودی، ۱۳۹۱). اما در حقیقت معماران از هر دو طریق تصویری و کلامی در شکل دادن کارهای خویش بهره می برند. البته شاید بتوان چنین پدیده ای را به حساب تأکید بر تفاوت های معماری با دیگر رشته ها دانست. در هر صورت زبان تصویری معماری نیز، یک گفتمان انتقادی است. به عنوان مثال در تهیه ایده های اولیه و یا شناسایی مشکلات و کاستی ها، اغلب یادداشت ها با نوعی اغراق همراه اند که بیانگر نوعی تعامل انتقادی، میان طراح و پرسش طراحی است.

مقایسه با نمونه کامل: گفتمان انتقادی در طراحی معماری، از مقایسه اثر با یک نمونه کامل ناشی می شود. مقایسه میان گزینه های طراحی به عنوان روشی پذیرفته شده در بسیاری از کارگاه های معماری مورد استفاده قرار می گیرد. مقایسه میان گزینه ها، اغلب نوعی گفتمان انتقادی در دل خود دارد. حتی در جریان آفرینش خلاقانه ترین اسکیس های معماری نیز نمی توان معماری را یافت که مرتب به اصلاح طرح خود، نپردازد (مهدوی نژاد، ۱۳۸۴ الف). این مهم در بناهای مذهبی مانند مسجد و کلیسا (پورجعفر و شریف شهیدی، ۱۳۸۸) توسط بسیاری از

منتقدان مورد استفاده قرار گرفته است؛ به ویژه در تحلیل نمونه الگوهای سنتی ساخت (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳) و مقایسه تطبیقی آنها با نمونه های موفق و ارزشمند موجود در بافت های باارزش فرهنگی و تاریخی. در فرایند ساخت یک بنای معماری نیز کار گروهی و تشریک مساعی لازم است، نوعی همکاری که اغلب مکالمه ها در آن بر اساس نوعی نقد استوار است.

استعاره های زبانی و نقد معماری: هنر در معنای عمومی و هنر اسلامی در معنای خاص خود، جلوه ای از تعامل میان استعاره و بیان تصویری است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۱). تا جایی که عنایت به استعاره های بیانی به یکی از اهداف مهم معماری معاصر کشورهای در حال توسعه (مهدوی نژاد، ۱۳۹۳) تبدیل شده است. در تحلیل معماری منظر و باغ ها (مجلسی کوپایی و همکاران، ۱۳۹۲) نیز تکیه بر استعاره های مفهومی و معنای توسط منتقدان کاربرد داشته است. استعاره های زبانی مورد بحث به کلیدواژه هایی استناد دارد که با خود بار معنایی و مفهومی خاصی را القا می کنند و در کل بر اساس یک رویکرد طراحی محور شکل گرفته اند. به عنوان مثال واژه «هارمونی» با خود یک بار معنایی مثبت را مجسم می کند و لازم است در نقد معماری در کاربرد آن دقت لازم صورت پذیرد. به عنوان مثالی دیگر ممکن است که استاد و یا رئیس کارگاه از دانشجو یا یک طراح مبتدی بخواهد که طرحی غیرمنتظره و اعجاب آور طراحی نماید، در این صورت نیز می توان استفاده استعاری از زبان را مشاهده نمود، زیرا مفاهیم بسیار زیادی در یک واژه، قابل مشاهده می باشد که بدون آگاهی کامل از ادبیات و مفاهیم پایه ای معماری درک آنها میسر نخواهد بود. در هر روی در نقد نقد معماری و یا تحلیل نقدهای معماری، لازم است به نقش استعاره های زبانی در تجزیه و تحلیل آثار معماری، به خوبی توجه شود. در برخی از پروژه های معماری، استعاره های زبانی فراوانی در شرح پروژه و یا دفاعیه آن به کار گرفته می شود. به عنوان مثال طراح می گوید که طرح من «پلی میان گذشته و آینده» ایجاد کرده است. در چنین موضوعی منتقد با تحلیل مبانی نظری طراح، تأثیرهای عملی پروژه را بر بافت پیرامونی می سنجد تا دریابد استعاره به کاررفته، تا چه حدی قابل قبول خواهد بود.

رسانه، فناوری و روش ساخت: تحولات سبکی و گرایش‌های متنوع در تاریخ معماری بیانگر آن است که معماری در طول تاریخ تحولات گوناگونی داشته و در دوره‌های مختلف، نشان از تغییر گفتمان در فرایند طراحی معماری و چپستی معماری فاخر است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۶) بر اساس آنچه از سبک‌شناسی و گرایش‌های مختلف معماری و شهرسازی معاصر استفاده می‌شود، هرگونه مفصل‌بندی جدید در میان عناصر مختلف یک رابطه، به آنها هویتی نو می‌بخشد؛ هویتی که از آن به‌عنوان یک سبک یاد می‌شود (کاملنیا و مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۱). بسیاری از فناوری‌های جدید نقش مهمی در تحلیل‌های معماری و شهرسازی یافته‌اند (حبیب و شکوهی، ۱۳۹۱) به‌گونه‌ای که درک انجام آن بدون توجه به فناوری‌های روزآمد و پیشرفته میسر نخواهد بود. مهم‌ترین دستاورد این تحولات، دریافت مفهوم نقد معماری، به‌مثابه یک گفتمان انتقادی است. برخی از تحولات سبکی، علاوه بر نقد گفتمان‌های موجود، خود سازنده گفتمانی جدید در معماری معاصر به‌شمار می‌روند. به‌عنوان مثال فناوری‌های روزآمد و پیشرفته و نحوه کاربرد آن صنعت ساختمان امروز به یک گفتمان شامل فراروایت‌های هدایت‌کننده تبدیل شده است (مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۲). شکل ۱ نشان می‌دهد که در تحلیل فرایند طراحی و ساخت اثر معماری به‌عنوان یک گفتمان، اثر معماری نیز پدیدآورنده یا معمار دارد، فرم و شکل و رمزگان ارتباطی دارد، و مخاطب به‌عنوان استفاده‌کننده و یا کاربران پروژه‌ی معماری قابل تفسیر می‌باشند. بنابراین نقد معماری بر اساس الگوی ارائه‌شده، یک گفتمان انتقادی خواهد بود.

بر اساس چهارچوب نظری پیشنهادی پژوهش، تلفیقی از تحلیل توصیفی گفتمان و تحلیل انتقادی گفتمان با تأکید بر مفهوم مرکزی نقد، مورد توجه قرار می‌گیرد (شکل ۲). در این حالت راستی آزمایی و اعتبار مدل طراحی شده را می‌توان از بررسی دو مفهوم دسترسی

مفهومی و همگنی نتایج به دست آورد.

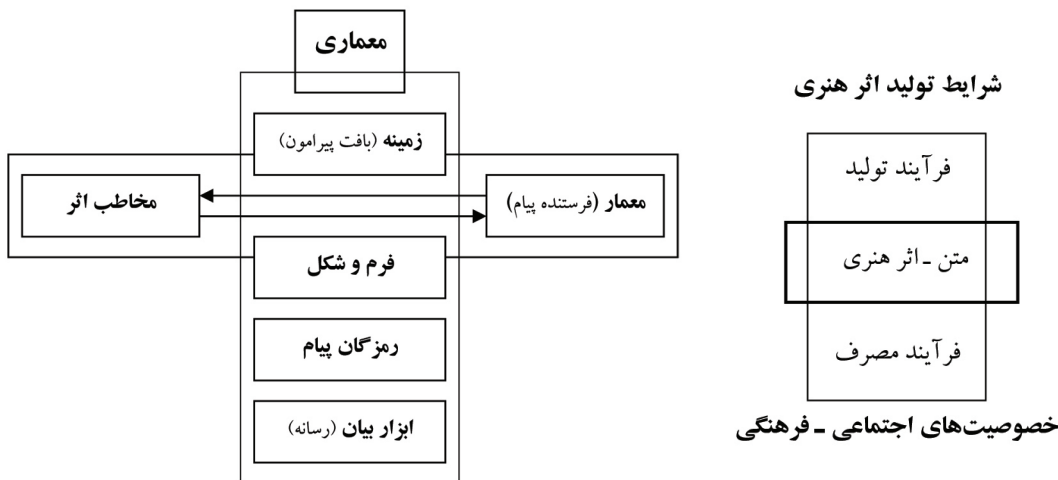
دسترسی مفهومی: به معنای آنکه مفهوم گفتمان بتواند به تمام بخش‌های مختلف رابطه میان اثر معماری و زمینه شکل‌گیری اثر احاطه پیدا کند. در این حالت چارچوب ترسیم‌شده با نقد نظریه میشل فوکو، برای یک اثر ملموس مانند معماری، رابطه‌ای هم ملموس و هم ناملموس قائل شده است.

همگنی نتایج: نتایج حاصل از نقد بتوانند به‌عنوان یک دستگاه تحلیلی موضوعات را در تعامل شکل و محتوا موردبررسی قرار دهند. در این حالت چارچوب ترسیم‌شده با نقد نظریه فردینان دو سوسور، علاوه بر ساختارهای موجود، به جنبه‌های پنهان موجود در فهم مسأله معماری نیز تمرکز دارد.

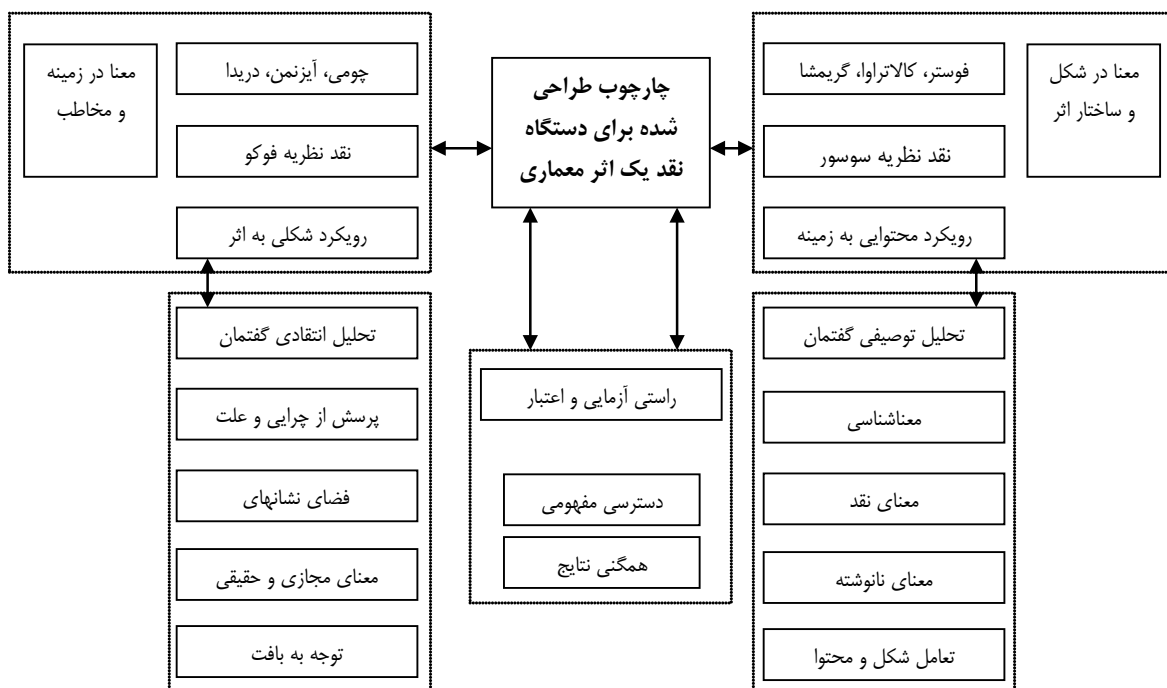
۱ فراتحلیل مطالعه موردی- ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی

کاربرد تحلیل گفتمان در نقد معماری به‌عنوان ابزاری برای سنجش اثر معماری با آنچه از معماری فاخر شناخته می‌شود، و همچنین سنجش ظرفیت‌های یک اثر، از میان آثار معماری معاصر برای تبدیل شدن به معماری سرآمد، نیاز به طراحی الگویی شکلی- محتوایی دارد. برای تبیین ارزش‌های نگاه انتقادی به فرایند طراحی معماری و نقد اثر معماری بر اساس ظرفیت‌های آن، لازم است مفاهیم پنج‌گانه مطرح‌شده در بخش چارچوب نظری پژوهش، موردنظر قرار گیرد. استفاده مقایسه یک بنا با نمونه، مهم‌ترین اقدام این حوزه محسوب می‌شود. مهم‌ترین محورهای قابل‌ارائه عبارتند از:

تعامل با زمینه: نشان دادن رابطه بین معمار و زمینه طراحی، و کیفیت درک مخاطب از اثر، موضوع مهمی برای نقد معماری است.



شکل ۱. بر اساس الگوی تحلیل انتقادی گفتمان، معماری یک مکالمه و ارتباط است که میان معمار و مخاطب برقرار می‌شود و رسانه آن معماری است.



شکل ۲. چهارچوب نظری طراحی شده بر اساس مدل نظری پیشنهادی پژوهش



شکل ۳. نمای کلی ساختمان مجلس شورای اسلامی طراحی عبدالرضا ذکایی با همکاری علی سردارافخمی، عباس قریب، مسعود قاضی زاهدی، منصور وکیلی، داریوش فیروزلی و بهروز احمدی (ماخذ: ستاوین، ۱۳۹۵)



شکل ۴. چشم انداز داخلی ساختمان مجلس شورای اسلامی (ماخذ: ستاوین، ۱۳۹۵)



شکل ۵. استفاده از فرم خالص هرم در طراحی ساختمان مجلس شورای اسلامی (ماخذ: ستاوبین، ۱۳۹۵). طراح پروژه در توصیف طرح بیان می‌دارد: «یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری بنای مجلس، تناسب و ارتفاع و عملکرد دو بنای شمالی و جنوبی بوده است تا این بنا بتواند ضمن استفاده مداوم از دو بنای موجود با محیط اطراف خود نیز هماهنگی کامل را برقرار کند.» (ماخذ: ذکابی، ۱۳۷۸، ۲۹)

در تبیین آن داشته باشد. ارزیابی تأثیر بافت و موقعیت پروژه بر نمود کالبدی آن، از اهداف دیگر چنین پژوهش‌هایی خواهد بود. برای تأمین این چنین هدفی منتقد می‌تواند پس از شناسایی اهداف موردنظر کارفرما، از مردم و یا متخصصان سوال نماید که آیا بنای ساخته شده (شکل ۳) توانسته است به نیازهای از قبل تعیین شده پاسخ دهد یا خیر؟ آیا محیط بعد از ساخته شدن بنای جدید، به محیطی بهتر و مناسب‌تر برای زندگی و گذران اوقات فراغت تبدیل شده یا خیر؟

نقد نقد: به دست دادن روش مطالعه متون و نقدهایی که در زمینه بنای مذکور ارائه شده، از دیگر اهداف موردنظر در این الگو خواهد بود؛ موضوعی که از آن با نام نقد نقد یاد می‌شود. پس از تعیین مفاهیم و خصوصیات فوق می‌توان در تحلیلی همه‌جانبه، میزان توجه منتقدان معماری به هر یک از آنها و علل آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. به‌عنوان مثال در بنای موردنظر (شکل ۴) می‌توان میزان توجه منتقدان به فرم معماری، سبک بنا، مصالح به‌کاررفته، رابطه‌ی معماری با محیط پیرامون و غیره را در نقدهای مختلف موردتوجه قرار داد تا مشخص شود کدامیک از مطالب فوق بیش از دیگران مورد نظر منتقدان بوده است و هر یک از آنها چه نتایجی را برای ساخت پروژه‌های آینده پیشنهاد خواهند کرد. آشکار ساختن رابطه اثر و ایدئولوژی طراحی آن، از نقاط قابل توجه در نقد چنین آثاری خواهد بود. البته لازم به ذکر است که چنین تدبیری در بناهایی مهم‌تر خواهد بود که از نقش اجتماعی-سیاسی ویژه‌ای برخوردارند. به‌عنوان مثال در نقد بنای موردنظر می‌توان از مخاطبان آشنا و ناآشنا با اثر سؤال کرد که با مشاهده چنین بنایی، کدامیک از ایدئولوژی‌های متداول حکومتی و دولتی در جهان را می‌توانند تصور نمایند و یا این فرم برای کدامیک از آنها مناسب‌تر است؟ بدیهی است بر اساس الگوی ارائه شده، حداکثر انطباق قابل پیش‌بینی بیانگر موفقیت بنا در تأمین اهداف موردنظر آن خواهد بود.

بازآفرینی گفتمان نوین: یک اثر معماری در شکل فاخر و آرمانی خود، زمانی می‌تواند سرآمدی خود را نشان دهد که علاوه بر تمامی

به‌عنوان مثال در بنای موردنظر معماری مجموعه، به صورتی کاملاً انتزاعی خود را از بافت پیرامونی بریده است و با تأکید بر فرم انتزاعی هرم، چهره‌ای جدادیده از متن یافته است. عدم تعامل فرم با زمینه موجب می‌شود تا فاصله مخاطب از متن افزایش یابد. به‌عبارت‌دیگر رابطه مردم با بنا، در تعریف فرمی، می‌تواند مترادف با میزان آشنایی مخاطب با فرم معماری و میزان آشنایی وی با ترکیب بصری ارائه‌شده باشد. به‌عنوان مثال در نقد بنای موردنظر پرسش جدی آن است که میدان بهارستان به‌عنوان محل ساخت بنا، چه تأثیری بر پروژه داشته است؟ توجه به روح مکان چگونه بر طراحی و ساخت بنا تأثیر گذاشته است؟ مهم‌ترین چیزی که بر اساس روش تحلیل گفتمان می‌توان انتظار داشت آن است که آیا پرسش‌شوندگان بنای موردنظر را متعلق به بافت تاریخی و سابقه‌ای طولانی منطقه می‌دانند و یا آن را بنایی می‌دانند که ممکن بود در هر نقطه دیگر ساخته شود؟

تحلیل فرایندمنا: برای درک ویژگی‌های سبک‌شناختی، درک فرایند شکل‌گیری و ادامه این جنبش از اهمیت خاصی برخوردار است. ساختار عمیق و پیچیده تولید اثر معماری، تأثیری مهم بر نتیجه فرایند طراحی معماری دارد. به‌عنوان مثال موضوع روش اداره امور کشور و جایگاه نظام قانون‌گذاری در شیوه مردم‌سالاری دینی، می‌تواند به‌عنوان نقطه محوری در سامان‌دهی فرایند طراحی معماری موردتوجه قرار گیرد. تشریح شرایط تولید اثر از منظر علل نیاز به طراحی آن، می‌تواند راهگشای درک فرایند طراحی و ساخت باشد. به‌عنوان مثال در نقد بنای موردبحث، پرسش محوری که می‌تواند موردنظر منتقد قرار گیرد آن است که نیاز به احداث چنین بنایی از کجا حاصل شده است؟ و بر اساس چه فرایندی می‌توان به آن دست یافت.

اقبال عمومی: اقبال عمومی چه زیاد باشد و چه کم، معانی مختلف را در نقد جامع یک اثر معماری در بر دارد. علل اقبال و یا عدم اقبال عمومی به یک بنا در زمان خود، موضوعی قابل تأمل است. بازشناسی تحولات اجتماعی و گفتمان‌های موازی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای

اسلامی (شکل ۵) را می‌توان سرآغاز فصل جدیدی در معماری معاصر ایران دانست؟

تخلیل نتایج

دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان معماری سرآمد می‌تواند به‌عنوان ابزاری مناسب برای جهت‌دهی نقد معماری موردتوجه قرار گیرد. ریشه‌های چنین رویکردی می‌تواند با تأکید بر حوزه‌های زبان‌شناسی و غیرزبان‌شناسی با عنایت به نظریه‌های ساختارگرایانه و پساساختارگرایانه، شکلی و عملکردی، مورد استفاده و بهره‌برداری قرارگیرد (جدول ۲). اساس الگوی نقد ارائه‌شده مبتنی بر مقایسه تطبیقی اثر با نمونه‌ای متعالی و یا گفتمان معماری سرآمد است، مقایسه

مشخصات یک اثر ارزشمند، در بازآفرینی یک گفتمان جدید در ساخت معماری نقش ایفا نماید. نشان دادن بی‌ثباتی معنا و تأثیر بافت بر درک مخاطب از بنا، از مسائل بدیعی است که بر اساس الگو پیشنهادی می‌تواند موردتوجه قرار گیرد. به‌عنوان مثال در نقد بنای مذکور می‌توان از مخاطبان مختلف سؤال کرد که چه برداشتی از بنای مورد نظر دارند. ممکن است نمایندگان مردم به‌عنوان کاربران اصلی بنا، نگرش متفاوتی نسبت به بنا داشته باشند و در مقابل مردم با درکی متفاوت آن را تفسیر کنند. مقایسه تأثیر بنا بر محیط پیرامونی و مقایسه با پیش‌بینی‌های اولیه‌ی طراحی، موضوع مناسبی جهت تشکیل یک نقد معماری کارگشا در این زمینه خواهد بود. درنهایت می‌توان به سراغ این سؤال کلیدی رفت که آیا ساخت ساختمان جدید مجلس شورای

جدول ۲. الگوی نقد آثار معماری معاصر ایران

موضوع نقد	کانون توجه	ویژگی برجسته معمار	گروه مخاطب نقد	گرایش فکری	ابزار و اسناد انجام نقد	جایگاه معمار	تعریف از معماری	جایگاه منتقد
تعامل با زمینه	بوم	شنونده‌ای آگاه	متخصصین و کارشناسان	ستتی، نومدرن، اکولوژیک	مشاهده عمیق و برداشت میدانی	گوش سپردن به آنچه زمینه به او می‌گوید.	معماری محصول نیروهای برخاسته از زمینه طراحی	نسبت اثر و نیازهای زمینه
تحلیل فرایندمبنا	فرایندها و روش‌ها	مدیر قانون‌گرا	گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ	سیستمی، مشارکتی	اسناد قانونی مربوط به مدیریت پروژه و ساخت	سازمان‌دهی و ساماندهی فرایند طراحی و ساخت اثر معماری	مشارکت حداکثری در فرایند برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و ساخت اثر	کنترل‌کننده صحت فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری
اقبال عمومی	فرم و شکل	همهانگ با مردم	جامعه بازدیدکنندگان	مشارکت مینا، مردم‌گرا، مردم‌پسند	پرسش‌نامه و افکارسنجی	هدایت فرایند طراحی بر اساس خواست اکثریت جامعه	همهانگ باسلیقه عمومی پاسخ به خواست مردم	مدافع سلیقه عمومی و گرایش‌های مردم‌گرا و عامه‌پسند
نقد اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی	شرایط اقتصادی و فرهنگی	منتقد اجتماعی	اندیشمندان، متفکران و منتقدان	جدایی‌گزین، ایده‌آلیست، پساساختارگرا	جستجو و مطالعه آثار منتقدین معماری	طراحی اثری که مردم را به فکر کردن و بازاندیشی تشویق کند.	رسالت اجتماعی به عنوان تاجی و ابر معمار	دانایی کل، معلم جامعه و حامی ابرمعمار
بازآفرینی گفتمان نوین	نیازهای آینده	نظریه‌پردازی پیشرو	معماران و طراحان آینده	دیجیتال، زیست‌شناسی و آینده‌نگاری	مشاهده و پیش‌بینی آثاری که در آینده ساخته می‌شوند	اندیشه‌های جدید را برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه ارائه کند	معماری معاصر، میراثی برای آینده	جریان‌ساز و سبک‌آفرین

نمونه موجود با نمونه‌ای که می‌تواند به‌عنوان میراثی برای آینده مطرح شود. الگوی مورد نظر برای نقد آثار معماری معاصر شامل موارد ذیل خواهد بود:

بستر یا زمینه: بستر یا زمینه‌ای که اثر معماری در آن شکل می‌گیرد، نخستین میثقی است که می‌تواند بر اساس الگوی ارائه شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بستر یا زمینه را می‌توان از دو منظر بررسی نمود: الف) نیاز جامعه: هر اثر معماری در پاسخ به یک نیاز، برنامه‌ریزی و طراحی می‌شود. تأمین اعتبارهای اقتصادی و تأمین ظرفیت‌های لازم نیز بر اساس همین نگرش شکل می‌یابند. البته این نیاز می‌تواند شامل نیازهای فیزیکی - عملکردی و یا معنوی - یادمانی باشد. ب) گفتمان‌های موجود: گفتمانی که اثر معماری در آن طراحی و ساخته می‌شود. «بوم» به‌عنوان محمل بیان ویژگی‌های زمینه، در کانون توجه قرار دارد. در این حالت معمار شونده‌ای آگاه است، که در ارتباط با جامعه متخصصین و کارشناسان، از طریق مشاهده عمیق و برداشت میدانی، به نیازهای زمینه گوش فرا می‌دهد. به عبارت دیگر در این رویکرد، معماری محصول نیروهای برخاسته از زمینه طراحی است. جایگاه منتقد معماری شناسایی نسبت اثر و نیازهای زمینه طراحی است.

داد: الف) پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی: یکی از مهم‌ترین انتظارات ما از یک بنا، پاسخ‌گویی به نیازهای عملکردی و کالبدی است که بنا بر اساس آن طراحی و اجرا شده است. ب) پذیرش نهادهای اجتماعی: بر اساس رویکرد فرم‌گرایانه به تعریف معماری، زمانی پاسخ‌گویی به عملکردهای یک اثر مناسب ارزیابی می‌شود که نهادهای اجتماعی آن را بپذیرند و از آن استقبال کنند؛ در غیر این صورت با هیچ معیار نمی‌توان در موارد اختلافی اظهارنظر کرد. منتقد معماری در این حوزه با بیان میزان استقبال و یا عدم‌استقبال گروه‌ها و نهادهای مختلف جامعه از بنا، به تبیین میزان موفقیت یا عدم‌موفقیت بنا پردازد. در نگاه مردم‌گرا، «فرم و شکل» در کانون توجه قرار دارد. هماهنگی با خواست مردم، ویژگی برجسته معمار است و اثر بر مبنای نظرات جامعه بازدیدکنندگان و موفقیت آن با ارزیابی میزان مشارکت، با ابزار پرسش‌نامه و افکارسنجی مورد سنجش واقع می‌شود. جایگاه معمار با هدایت فرایند طراحی بر اساس خواست اکثریت جامعه تعریف می‌شود زیرا اثر برجسته معماری اثری است که هماهنگ با سلیقه عمومی و در پاسخ به خواست مردم طراحی و اجرا شده است. منتقد معماری در حقیقت مدافع سلیقه عمومی و گرایش‌های مردم‌گرا و عامه‌پسند خواهد بود.

نقد نقد: نقد یکی از بخش‌هایی است که در خلال آن می‌توان بازخوردها و واکنش‌های گروه‌های مختلف را نسبت به بنا مورد ارزیابی قرار داد. نقد تحلیل‌های منتقدین رسمی و غیررسمی، و ساخت بنای معماری به عنوان یک نقد اجتماعی موضوعی که در ادبیات تخصصی جامعه، از آن با نام «نقد نقد» یاد می‌شود. نقدهایی که درباره یک اثر معماری خاص تهیه می‌شوند، در دو گروه قابل تحلیل خواهند بود: الف) نقدهای رسمی: نقدهای رسمی به کلیه اظهارنظرها و انتقادهای اطلاق می‌شود که توسط گروه‌های مسئول و متخصص مطرح می‌شود. منتقدان معماری مهم‌ترین بخش این گروه را به خود اختصاص می‌دهند. ب) نقدهای غیررسمی: نقدهای غیررسمی شامل اظهارنظرها و انتقادهایی است که توسط گروه‌های غیرمتخصص، به‌خصوص کاربران بنا ارائه می‌شود. منتقد معماری می‌تواند علاوه بر دو گروه فوق، میزان و نوع ارتباط این نقدها را با یکدیگر، به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. کانون توجه منتقد، شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و گروه اصلی مخاطب، اندیشمندان، متفکران و منتقدان‌اند. ویژگی برجسته معمار، شناخته شدن به عنوان یک منتقد اجتماعی است. منتقد معماری، جدایی‌گزین، ایده‌آلیست، پسا‌ساختارگراست و به جستجو و مطالعه آثار منتقدین معماری می‌پردازد. معمار برگزیده معماری است که مردم را به فکر کردن و بازاندیشی تشویق کند؛ و منتقد معماری در جایگاه معلم جامعه، رسالت اجتماعی معماران را به عنوان به عنوان ناجی و مرتب‌گوشزد می‌نماید.

بازآفرینی گفتمان نوین: هر گفتمانی که در معماری شکل می‌گیرد، به جامعه عرضه می‌شود، پس از دریافت بازخوردها و شکل یافتن نمونه‌های قابل قبول، گفتمان جدیدی بازتولید می‌شود. بازآفرینی گفتمان نوین در دو گروه قابل بررسی خواهد بود: الف) بازتعریف گفتمان:

تحلیل فرایند مینا: فرایند شکل‌گیری یک اثر معماری اعم از برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و فرایند اجرا، بخش دیگری است که در نقد یک اثر معماری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. فرایند شکل‌گیری اثر معماری در دو گروه قابل مطالعه است: الف) فرایند طراحی و مراحل به وجود آمدن ایده: نقد فرایند طراحی معماری و عوامل شکل‌دهنده آن. ب) فرایند شکل‌گیری و ساخت: بر اساس الگوهای نظری ارائه شده، هماهنگی فرایند ساخت یک پروژه با موضوع آن، نشانه فهم صحیح موضوع؛ و عدم‌تناسب آن بیانگر یک نوع آشفتگی در خرده‌نظام‌های اجتماعی است. منتقد معماری می‌تواند فرایند ساخت و تدابیر به‌کاررفته در آن را به‌عنوان یک موضوع مناسب در نقد مطرح سازد. در این حالت «فرایندها و روش‌ها» کانون توجه منتقد معماری است. معمار در این حالت مدیری است که عملکرد وی براساس قانون شناخته می‌شود. عنایت به ظرفیت‌ها و خواسته‌های گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نقوذ، مبتنی بر گرایش فکری سیستمی و مشارکتی، و البته بر مبنای اسناد قانونی مربوط به مدیریت پروژه است. جایگاه معمار به عنوان سازمان‌دهنده و سامان‌دهنده فرایند طراحی و ساخت اثر معماری است. موفقیت اثر بر مبنای مشارکت حداکثری در فرایند برنامه‌ریزی، برنامه‌دهی و ساخت اثر سنجیده می‌شود؛ جایگاه منتقد هم کنترل‌کننده صحت فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است.

اقبال عمومی: عملکرد در تعریف مردم‌گرا از معماری، و اقبال عمومی دو مفهوم به‌هم پیوسته‌اند. پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف عملکردی، اجتماعی و غیره؛ در کنار پذیرش بنا از طرف نهادهای مختلف اجتماعی، موضوعی است که در حوزه کارکرد بنا مطرح می‌شود. بر اساس تعریف، کارکرد بنا را می‌توان در دو گروه به دقت مورد تحلیل و بررسی قرار

بازتعریف گفتمان بر اساس تجزیه و تحلیل نقدهای موجود و برآیند نقد نقدهای تهیه شده از یک بنا خواهد بود. اغلب بازتعریف گفتمان‌ها، ناپیدا بوده، تا ظهور نمونه‌ای جدید توسط مردم درک نمی‌شوند. (ب) تعریف نیاز جدید: همواره نقد نقدهای گذشته، به شکل‌گیری یک برآیند جامع و تعریف نیازهای جدید می‌انجامد. براساس پیش‌بینی‌های الگو تحلیل گفتمان، نیازهای جدید آغازگر دوباره چرخه‌ای نو در نقد محسوب می‌شوند. در این حالت نیازهای آینده در کانون توجه است و معمار خود را نظریه‌پرداز پیشترو می‌بیند. نقد بر جایگاه معماران و طراحان آینده تأکید داشته، بر علوم جدید مانند دیجیتال، زیست‌شناسی و آینده‌نگاری تأکید می‌کند. مفاهیمی مانند معماری معاصر، میراثی برای آینده، در این حالت، منتقد را به شخصیتی مشخصات جریان‌ساز و سبک‌آفرین مبدل می‌سازد.

۱- نتیجه‌گیری

مطالعات صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که به کارگیری مفهومی مانند معماری سرآمد، می‌تواند دستاویزی برای خلق یک الگو برای درک آثار معماری و به خصوص شکل‌دهی به الگویی برای نقد آثار معماری معاصر باشد؛ مشروط به آن‌که موضوع معماری سرآمد به‌عنوان یک گفتمان مورد عنایت قرار گیرد. «گفتمان معماری سرآمد» چهارچوبی پنج مرحله را ایجاد می‌نماید که براساس آن می‌توان الگویی برای نقد آثار معماری معاصر تنظیم نمود. مقایسه نمونه موجود با نمونه مطلوب، و یا آنچه هست با آنچه باید باشد، سازوکار نقد معماری در مدل ارائه شده خواهد بود. مفهوم نقد معماری می‌تواند در پنج قسمت مورد توجه قرار گیرد که عبارتند از: (۱) تعامل با زمینه، (۲) تحلیل فرایندمنا، (۳) اقبال عمومی، (۴) نقد نقد و (۵) بازآفرینی گفتمان نوین. یک نقد جامع نقدی است که با تکیه بر هر پنج ساخت مطرح شده در مدل تحلیلی پژوهش، به مطالعه و بررسی یک اثر معماری بپردازد.

نتایج پژوهش تأکید می‌نماید الگوهای موجود در تحلیل انتقادی گفتمان، در نقد معماری نیز قابل استفاده خواهند بود و به کمک آنها می‌توان به بازتعریف دستگاه‌های نقد معماری پرداخت. البته با توجه به تمرکز بسیار بالای روش تحلیل گفتمان بر زمینه شکل‌گیری اثر و برخورد تحلیلی با موضوعات مورد بحث، در مقوله‌های میان‌رشته‌ای چون معماری شرایط مطلوب‌تری می‌یابد. منتقد معماری و یا علاقه‌مندان به تحلیل نقدهای تهیه شده می‌توانند یک نقد را در یکی از این بخش‌های پنج‌گانه و یا بر اساس تمامی آنها پیکربندی کنند. الگوی ارائه شده علاوه بر مشخصات اجرایی خاص خود، جنبه آموزشی نیز دارد و اساتید رشته معماری می‌توانند با تکیه بر آنها، روش‌های صحیح نقد معماری را در حوزه نقدهای مبتنی بر زمینه، به دانشجویان و علاقه‌مندان معماری آموزش دهند.

۱- فهرست مراجع

۱. احمدی، بابک. (۱۳۷۸). حقیقت و زیبایی: درس‌هایی از فلسفه هنر. چاپ چهارم. تهران: نشر مرکز.
۲. اعتصام، ایرج؛ میرمیران، هادی؛ میرمیران، حمید؛ و صائب، فریده. (۱۳۸۹). معماری معاصر ایران، ۷۵ سال تجربه بناهای عمومی.

- تهران: انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۳. پورجعفر، محمدرضا؛ و شریف شهیدی، محمد. (۱۳۸۸). معماری کلیسا در دوران آغاز مسیحیت بیزانس، رومانسک، گوتیک، رنسانس، باروک، روکوکو و معاصر. تهران: سیمای دانش.
 ۴. حبیب، فرح؛ و حسینی، اکرم. (۱۳۸۹). تحلیلی از معماری معاصر ایران در رویارویی با پدیده جهانی شدن. هویت شهر، ۴(۶)، ۲۸-۲۹.
 ۵. حبیب، فرح؛ و شکوهی، علی. (۱۳۹۱). شناخت و تحلیل مسائل شهری با استفاده از سیستم‌های فازی، هویت شهر، ۶(۱۰)، ۲۶-۱۷.
 ۶. ذکایی، عبدالرضا. (۱۳۷۸). مجلس آینده در محل گذشته. ماهنامه ساخت و ساز، (۱)، ۳۰-۲۸.
 ۷. ستاوین. (۱۳۹۵). هرمی بر بلندای بهارستان. مهندسین مشاور ستاوین. بازیابی ۱۰ دی ۱۳۹۵، از <http://setavin.com>.
 ۸. گنجی خیبری، ابوالفضل؛ و دیبا، داراب. (۱۳۹۳). تبعیت فرم از داده: معماری زمینه‌گرا در عصر دیجیتال. روش‌های نوین طراحی و ساخت. مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی روش‌های نوین طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا. تبریز: دپارتمان معماری و شهرسازی انستیتو مقاوم سازی لوزه ای ایران.
 ۹. مجلسی کویایی، ابوذر؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا؛ و فخارتهرانی، فرهاد. (۱۳۹۲). ویژگی نخستین پارک تهران: پارک امین الدوله، باغ نظر، ۱۰(۲۵)، ۱۶-۳.
 ۱۰. ملاصدرا. (۱۳۷۹). اسفار اربعه. چاپ اول. ج ۸. تهران: انتشارات الحیدریه.
 ۱۱. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۰). مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
 ۱۲. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۱). هنر اسلامی، در چالش با مفاهیم معاصر و افق‌های جدید. هنرهای زیبا، ۱۲، ۳۲-۲۳.
 ۱۳. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۳). حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی. هنرهای زیبا، ۱۹، ۶۶-۵۷.
 ۱۴. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۴ الف). آفرینشگری و روند آموزش خلاقانه در طراحی معماری. هنرهای زیبا، ۲۱، ۶۶-۵۷.
 ۱۵. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۴ ب). آموزش نقد معماری؛ تقویت خلاقیت دانشجویان برای تحلیل همه‌جانبه آثار معماری. هنرهای زیبا، ۲۳، ۷۶-۶۹.
 ۱۶. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۶). سیر اندیشه‌های معماری. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
 ۱۷. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا؛ و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری. تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن. مدرن و فرامدرن. هویت شهر، ۴(۷)، ۱۲۲-۱۱۳.
 ۱۸. مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ و جوانرودی، کاوان. (۱۳۹۱). نسل جدید معماران معاصر جهان اسلام. راسم بدران. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات.
 ۱۹. کاملنیا، حامد؛ و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۱). آشنایی با معماری معاصر از شرق تا غرب: بررسی مبانی، مفاهیم و ریشه‌های شکل‌گیری آن. تهران: انتشارات علم معمار.

24. Foucault, M. (1994). *The Archaeology of Knowledge*. London: Routledge.
25. Jencks, C. (1991). *The Language of Post-Modern Architecture*. (6th ed.). New York: Rizzoli.
26. Jencks, C. (2006). *Theories and Manifestoes of Contemporary Architecture*. (2nd ed.). Seattle: Academy Press.
27. Mahdavinejad, M., & Moradchelleh, A. (2011). Problems and Tendencies of the Development of the Architectural Sciences: Culture Research Aspect. *Middle-East Journal of Scientific Research*, 10 (6), 677-682.
۲۰. مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۲). الگوی انرژی دوستی در ساختمان بر اساس رفتار حرارتی بام. *نقش جهان*، ۳(۲)، ۳۵-۴۳.
۲۱. مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۳). چالش فناوری و شکوفایی در معماری معاصر کشورهای در حال توسعه. *نقش جهان*، ۴(۲)، ۴۳-۵۳.
۲۲. مهدوی نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید؛ و هادیان پور، محمد. (۱۳۹۳). نقش حیاط در معماری معاصر ایران؛ مطالعه موردی: دوره های قاجار و پهلوی. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۴(۱۵)، ۳۵-۴۵.
23. Lange, A. (2012). *Writing about Architecture: Mastering the Language of Buildings and Cities*. Princeton: Princeton Architectural Press.

Keywords: High-performance architecture, Performative design, Contemporary architecture, Architecture criticism, Future legacy in architecture, Discourse

Discourse of High-Performance Architecture: a Method to Understand Contemporary Architecture

*Mohammadjavad Mahdavinejad**, Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

Architecture criticism is a multidiscipline topic which usually related to level of success in meeting a prosperous architecture, or at least meeting the designers' objectives. The criticism procedures should satisfy the needs of all the stakeholders who participate in architectural design process. Criticism has a lot to do with a wide range of tangible and intangible issues such as environmental, social, technical, economic, aesthetic and fictional issues. Therefore performance-based criticism is an approach to evaluate architect's success in meeting aims and objectives of all the stakeholders who might be interested in the project. It is essential to explain that the level of architectural performance is affected by "context". Moreover high-performance architecture might be crystalized through the relationship of form and content. This paper is to make a framework for discourse of high-performance architecture in order to shape a Method to understand contemporary architecture. As well as make a substantive model to criticize strength and weakness on contemporary architecture, especially contemporary architecture of developing countries such as Iran. Contrary to much of conventional approaches, architecture criticism not only study building beyond the way it performed but also prefer to analyze hidden dimensions of architectural design process.

Theoretical framework of the paper is based on understanding architecture as a comprehensive discourse. Assumption of the research indicates that architecture is a matter of discourse and comprehensive meaning of high-performance architecture might be understood by adopting the relationship between architecture and architect as a critical discourse. It is essential to describe performance-based design as way to meet demands and expectation of all the stakeholders in architectural design process, especially in programing and planning phase.

The research methodology of the paper is based on discourse analysis theory in order to explain the relationship between architecture and context as matter of understanding the level of performance. Moreover the research methodology aims at revealing socio-cultural, ultramundane, intangible and psychological characteristics of "architecture" rather than tangible and physical issues.

The results of the paper show that a comprehensive approach toward architecture criticism includes five categories: 1- Relation to Context: high-performance architecture has to crystalize a meaningful learning from nature. The interrelationship of performative characteristics of architecture, recombinant materials and socio-cultural aspects of design. 2- Process-Based Approach: Understanding the level of performance is to concentrate on process in order to meet stakeholders' demands and objectives. 3- General Welcoming: Performance-based design has a lot to do with collective mind. 4- Recriticizing Critics of Critics: Architecture might be read in contemporary discourses. Architects sometimes have their own approach toward architecture criticism which might be called designerly way of knowing and doing which works as a new style of architectural criticism. 5- Redevelopment of Future Discourse: New architectural technologies such as digitalism, prefabrication, biotechnology, recycled materials, mathematical architecture etc. are about to shape a new paradigm for future architecture. Based on theoretical developments future legacy in architecture is in need of a kind of ethno-futuristic discourse. It is essential to redevelop future discourse in programing architecture in order to understand high-performance architecture.

* Corresponding Author: Email: mahdavinejad@modares.ac.ir